

مروری بر دانش بومی گیاه شناسی، تاریخچه و اهمیت آن

منصوره رضوی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۰

چکیده

آنچه را که در گستره هستی با عنوان طبیعت سبز نامیده‌اند، چیزی نیست جز راز بقاء، سلامتی و زندگی همه موجودات زنده بر روی کره خاکی. گیاه این نعمت بزرگ و بی‌همتای الهی در انواع گونه‌ها، رنگ‌ها و مزه‌ها تنها آفریده‌ای است که غذای جسم و روح بشر را تأمین می‌کند. آنگاه که انسان پا به عرصه جهان نهاد پیش از هر چیز گیاهان نیازهای او را برآورده نموده و ایشان را به آسایش و آرامش رساندند. انسان براساس دیده‌ها و تجربیاتش به آگاهی لازم در استفاده از گونه‌های گیاهی دست یافت و در طول عمر خود از آن بهره‌مند گردید. رفته رفته با گذشت ده‌ها هزار سال تا کنون براساس شواهد و قرائن موجود تغییرات زیادی در محیط زیست بوجود آمده، همچنین با تفکر و

Email : Sury57@gmail.com

* کارشناس ارشد مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

پیشرفت‌های علمی و فنی آدمی این دگرگونی‌ها وارد زندگی روزمره گردیده‌اند. اگر چه طبیعت تا پیش از این از مطلوبیتی بی‌نظیر برخوردار بود اما امروزه با روند برق‌آسای صنعتی شدن و ورود تکنولوژی‌های روز، نابودی بستر سبز گیاهان و علم کهنسالان فراموش شده را نظاره‌گر هستیم. از این رو برای جلوگیری از مرگ طبیعت و اندوخته‌های مربوط به آن، اهمیت و توجه به دانش محلی گیاه‌شناسی تنها راه کمک به بقاء و زندگی بشر به شمار می‌آید. بدین ترتیب راه برای پژوهشگران، متخصصان در علم و صنعت و عامه مردم در مطالعه، حفظ و مصرف گیاهان هموار خواهد شد. این مقاله برآن است تا با مروری در گذشته تاریخی انسان به یادآوری و معرفی شیوه‌های گذشتگان در بهره‌مندی از گیاهان و قدرت سودآوری آنها به اهمیت موضوع بپردازد. بدین ترتیب آنچه را که خواننده دنبال خواهد نمود براساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک موجود، توسط نگارنده جمع‌آوری و ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: گیاهان، دانش محلی، گیاه‌شناسی مردمی

مقدمه

رشد و نمو گیاه در معرض عمل و اثر عوامل فیزیکی و بیولوژیکی محیط است. عوامل فیزیکی شامل: هوا، آب و خاک است و بین این عوامل ارتباط نزدیکی وجود دارد. یک گیاه که بوسیله ریشه‌هایش در خاک تثبیت شده است، تحت تأثیر جریان انرژی بین هوا و خاک است و نیز عهده‌دار وظیفه فراهم آوردن مسیری برای حرکت و انتقال انرژی بین دو عامل یاد شده است. تغییرات یا حرکات مواد در محیط بدو از تشعشع خورشید ناشی می‌شود. مقداری از انرژی تابشی خورشید از سطح گیاهان منعکس و وارد محیط می‌شود. انرژی همچنین از گیاهان به صورت حرارت تلف و یا صرف تبخیر آب از طریق تعریق می‌شود. بخش کوچکی از انرژی خورشید بصورت انرژی شیمیایی از طریق

فتوستتز^۱ ذخیره می‌شود. (نوگل؛ فریتز، ۱۳۷۱: ۱۹۱) خورشید تنها منشأ انرژی برای تقریباً هر شکلی از حیات است... وقتی طی فتوستتز گیاه سبز، که انرژی آن از خورشید تأمین می‌شود مواد ساده‌ای چون گاز کربنیک و آب با هم ترکیب می‌شوند، گلوکز ساخته شده و اکسیژن به صورت گاز آزاد می‌گردد. انرژی که بدین ترتیب در ملکول گلوکز ذخیره می‌شود طی تنفس که گلوکز اکسیده می‌شود، آزاد می‌گردد و گاز کربنیک و آب بدست می‌آید (کالستون؛ ساتر، ۱۳۸۶: ۲). انسان، سایر حیوانات و گیاهان خود بدون ماده سبزرنگی که در گیاهان یافت می‌شود و بدون فعالیت‌های برگ‌های محتوی این رنگیزه سبز، نمی‌توانستند روی این سیاره بسر برند... و عملاً همه اشکال حیات روی زمین انرژی خود را مستقیماً یا به طور غیرمستقیم از فعل و انفعالات پیوند حرارت هسته‌ای که در خورشید روی می‌دهد کسب می‌کنند. طی این فعل و انفعالات هیدروژن به هلیوم و مقداری جرم به انرژی تبدیل می‌گردد که انرژی حاصل از طریق فضا تشعشع می‌یابد. بخش کوچکی از این انرژی به زمین می‌رسد و توسط کلروفیل و سایر رنگیزه‌های گیاهان سبز، جذب می‌شود. طی مکانیزم‌های پیچیده‌ای در کلروپلاست سلول گیاه سبز، انرژی مزبور به صورت کربوئیدرات‌ها ذخیره می‌شود که از گاز کربنیک و آب طی فرایند فتوستتز ساخته می‌شود. اکسیژن به عنوان محصول فرعی این فرایند از آدمی‌گردد که مورد استفاده موجود زنده قرار می‌گیرد (ویلسون؛ لويس؛ سیتوز، ۱۳۷۴: ۹).

انسان از همان آغاز خلقت به اجبار، برای زنده ماندن و رفع غریزه گرسنگی به گیاهان پناه برده است و تردیدی نیست که تمام نیازهای بشر از طبیعت تأمین می‌گردد. (جهانشاهی، ۱۳۸۰: ۱۳) تجربه انسان در مرحله اول، تفکیک گیاهان مفید و مضر از یکدیگر بوده است که باید از عصر سنگ آغاز شده باشد. بنابراین تجربه آگاهانه در این مورد به دوازده هزار سال پیش باز می‌گردد (کیمیایی، ۱۳۸۳: ۱۷۴). انسان توانست به خواص گیاهان و روش استفاده از آنها پی ببرد. گیاهان را طبقه‌بندی کرد و از هر کدام درجای خود بهره گرفت. پیش از تاریخ زنان میوه‌های خشک و ریشه گیاهان خوردنی را

جمع‌آوری کرده و مورد استفاده قرار می‌دادند. دانه‌های گیاهی را خشک، به آرد تبدیل کرده و نان می‌پختند. از گیاهان در درمان بهره می‌گرفتند، همچون مصریان که از روغن کرچک، گیاه عود، بوته سنا، میوه تمبره‌ندی به عنوان داروی هضم کننده غذا و از بابونه، نعناع، گشنیز، راز یانه، آویشن، زیره و زعفران به عنوان داروی ضد نفخ شکم استفاده می‌کردند (محرابی، ۱۳۸۳: ۶۲۸). قبایل ایروکوئی با تنه درختان پوست نکنده بناهای عظیمی می‌ساخته‌اند که صد و پنجاه متر طول داشته و خانواده‌های متعدد در آنها به سر می‌بردند (دورانت، ۱۳۸۱: ۱۹). مردم آمریکای حاره نیز از کتان نوعی نو ساخته‌اند که به جای تختخواب از آن استفاده می‌شود (عسکری خانقاه؛ شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۱۴۷). با بهره‌گیری از گیاهان اقوام اولیه وسایل خاصی از لوازم زندگی خود را رنگ می‌کردند و در خودآرایی نیز به کار می‌بردند (جهانشاهی، همان: ۱۲). امروزه با گذشت قرن‌ها هنوز در گوشه و کنار دنیا و از جمله ایران استفاده از شاخ و برگ گیاهان به عنوان کود مرغوب حشره‌کش و دفع آفات کشاورزی، دارو و ضماد در شکسته‌بندی، ضدعفونی کننده، استفاده از برگ ساقه... میوه و ریشه برخی گیاهان در تهیه غذاها و نان‌های خاص... استفاده از چوب در ابزار کشاورزی و دامداری، رنگرزی سنتی... ساخت و مقاوم‌سازی و خوشرنگی پوست انواع مشک و... بکار می‌روند (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۴). استفاده از الوارهایی از درخت بلوط که در گیلان غرب و بسیاری مناطق دیگر برای ساختن سقف خانه‌ها و برپایی سیاه چادرها، ایجاد سایبان و ساخت انواع ابزار چوبی و... بکار می‌برند. شیره قهوه‌ای رنگی که اوایل پائیز بر روی ساقه و برگ‌های درخت می‌نشیند و قبل از طلوع آفتاب جمع‌آوری می‌شود به نام «شوکه». این ماده که گزانگبین نام دارد امروزه در شیرینی‌پزی مصرف می‌شود (پاپلی یزدی، ۱۳۸۴: ۹). در پیرسواران ملایر در بافت قالی از رنگ کردن الیاف با استفاده از گیاهان چون: روناس، نیل، کاه، گل بابونه، گل جعفری، گزنه، گنل، پیاز و... بهره می‌گیرند (رسولی، ۱۳۷۸: ۶۷). از دود دادن گیاهان برای ضدعفونی، مبارکی و چشم زخم نیز استفاده می‌شود. در منطقه پاریز برای

مبارکی تکه‌ای نبات، مقداری اسفند و چند دانه بادیان و مقداری کندر را در زیرنخستین مشک سال دود می‌کنند (فرهادی، ۱۳۷۸: ۲۴۹).

توجه تقدس گونه به نیروی برخی گیاهان نیز همواره در میان مردم از گذشته رواج داشته است. همچنان که در بسیاری از آیین‌ها و رسم‌های ایرانی با دود دادن اسفند و کندر علاوه بر معطر کردن فضا، نیروهای شر را دور می‌کنند. در میان صابئین مندائی خوزستان (پیروان حضرت یحیی (ع)) رسم است که در روزهای ششم و هفتم ماه دولا (اوایل مردادماه). شاخه‌ای از بید یا آس (مورد معطر). را بر سردر خانه‌های‌شان نصب می‌کنند و بر این باورند که چون این روزها نحس است بدین وسیله فرشته خانه آنها را پیدا می‌کند.

با اشاره به موارد یاد شده و جهت آشنایی بیشترگذری کوتاه بر اهمیت این موضوع خواهیم داشت.

اهداف، اهمیت، پیشینه و روش پژوهش

طبیعت و خاصه گیاهان در ارتباطی متقابل با انسان قرار گرفته‌اند، پس نیازهای گوناگون بشر از تأمین خوراک گرفته تا درمان، مسکن و... همه در طول تاریخ حضور او بر روی زمین، پیوندی ناگسستنی با گیاه داشته و لزوم نگهداری حفظ و بقاء این نعمت الهی سودرسان را می‌طلبد. سرعت رو به گسترش و پیشرفت روزافزون تکنولوژی و از بین رفتن دانش کهن در بکارگیری گیاهان، استفاده از منابع و ترکیبات شیمیایی در تأمین سلامت انسان، نگرانی و خطراتی را در خصوص از بین رفتن منابع غذایی و دارویی طبیعی (گیاهی). برای نسل‌های آینده فراهم آورده است. با توجه به اهمیت موضوع و این که مطالعه و بررسی گیاهان مدت‌هاست که مورد توجه مقامات ذینفع جهانی قرار گرفته، در نواحی گوناگون دنیا به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل این دانش پرداخته و از جنبه‌های گوناگونی مورد ارزیابی قرار گرفته است. دسترسی به بهترین مواد نیازمند دانش، آگاهی و تجربه مفیدی است که بسیاری از گذشتگان در سخت‌ترین شرایط آن را

کشف کرده و جهت سلامت جسم و روان آدمی به اثبات رسانده‌اند که می‌توان آن را در آثار تاریخی برجای مانده و نوشته‌های فیلسوفان، طبیبان، تاریخ نویسان، جهانگردان محققان و گیاه‌شناسان مشاهده نمود. بومیان در هر سرزمینی از زنان و مردان معمولی که در جستجوی غذا بودند تا طبیبان محلی، بعنوان ضامن بهبودی بیماران و بعدها با پیشرفت علم، علاقمندان و متخصصان گیاه شناس داروساز و پس از آن در قرن نوزدهم محققان انسان شناس وارد این عرصه شده و توجه ویژه‌ای به مقوله جستجو، شناخت، معرفی و بهره‌مندی از گیاهان جهت تداوم عمر مطلوب انسان‌ها تا امروز داشته‌اند.

در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م) در پاپیروس‌ها و «ابرز»^۱ مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آن باقی مانده است (قهرمان؛ اخوت، ۱۳۸۳: ۱). کمبل تامپسون نام آورترین پیشگام در مطالعات مربوط به علوم پزشکی در بین‌النهرین باستان مواد دارویی آن دوران، حدود ۲۵۰ ماده گیاهی دارویی... از جمله: رازیانه، زعفران، آویشن، گل سرخ و شقایق نعمان، انواع گوناگون صمغ‌ها مانند: جاشیر (گاوشیر)، انگوزه، صمغ زرد صنوبر و... را معرفی کرده که نقش بزرگی در تهیه داروها برعهده داشت (مجیدزاده، ۱۳۷۹: ۲۲۰). ارسطو نخستین اندیشمندی است که از رشد و نمو گیاهان... مطلبی نوشته است. تئوفراستوس شاگرد او که بعدها به او پدر گیاه شناسی گفته‌اند در کتابی به نام «هیستوریا پلانتاروم»^۲ ۴۸۰ گیاه را رده بندی و از آنها برای درمان استفاده می‌کرد. همچنین آثاری از بقراط یا هیپوکرات^۳ بزرگترین پزشک جهان باستان از نحوه درمان با گیاهان باقی مانده است.

از پلینی کهن یا کارینوس پلینوس سکوندوس^۴ در سال‌های (۷۹ تا ۲۳). پس از میلاد مسیح، مجموعه ۳۷ جلدی «تاریخ طبیعی» در خصوص دانش و اطلاعات زمان خود باقی مانده است (قهرمان؛ اخوت، همان). یوحنا بن ماسویه پزشک و گیاه شناس

-
1. Ebers
 2. Histori Plantarum
 3. Hippokrates
 4. Gaiusplinius secundus

مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، ... ۱۳۱

ایرانی، از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور در کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» از قدیمی‌ترین کارهای ارزنده در ایران به بیش از ۲۹ رقم گیاه و مشتقات آن‌ها که برخی معطر بوده و در آثاریونانی‌ها و پزشکان اسلامی دیده نمی‌شود نام می‌برد. ابن بیطاردر «الجامع المفردات الدویه و التغذية» و محمدبن زکریای رازی در دایره المعارفی به نام «الحاوی فی الطب» و خلاصه پزشکی «المنصوری» و «منافع لاغذیه و دفع مضارها» نیز اشاراتی داشته. ابوحنیفه دینوری در فصل‌هایی از «کتاب النبات» در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی، عطرسازی به کار می‌روند و گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آن‌ها برای تهیه ریسمان، نساجی و یا موارد دیگر در صنعت استفاده می‌کنند نام می‌برد (قهرمان؛ اخوت، همان: ۳-۵). ابن سینا در جلد دوم «قانون فی الطب» بیش از ۸۰۰ گیاه طبی و غذایی را نام می‌برد که از میان آنها ۵۴۱ گیاه و مشتقات آن‌ها دارای توصیف کاربردی هستند. ابوریحان بیرونی در «صیدته فی الطب» حدود ۷۷۰ گیاه و صفات درمانی آن‌ها را شرح داده است... و حکیم محمد مومن تنکابنی در کتاب «تحفه المومنین» در ۹۴۰ باب به گیاهان دارویی پرداخته است (قهرمان؛ اخوت، ۱۳۸۳: ۶). و بعدها با شناخت علوم جدید، محققان علوم اجتماعی و به طور خاص مردم‌شناسان در این راه قدم نهادند.

برناردو. رایلی^۱ زیست‌جغرافیدان و دیوید بروکنشا^۲ مردم‌شناس اجتماعی، در اثر دو جلدی خود که حاصل پژوهش سه ساله این دو در میان قوم امبیری در استان شرقی کنیا است به گستردگی دانش بومیان امبیری و توانایی آن‌ها در ارزیابی کیفی گونه‌های درختی و نیز فهم آنان از رابطه بوم‌شناختی بین گونه‌های متفاوت اشاره می‌کنند (فرهادی، همان: ۱۵). ریچارد ایوان شولتز در سال ۱۹۴۱ به آمازون در کلمبیا سفر کرد و در مورد منبع کورار تحقیق کرد، از این سم در بیمارستان‌ها در سال ۱۹۳۰ به عنوان یک سست‌کننده عضلات استفاده می‌شده است. انواع گوناگون کورار را کشف کرد که

1. Bernard W. Riley
2. David Brokensha

از ۱۵ جزء تشکیل شده بودند، در آن زمان به شناخت بیش از ۷۰ گونه آن برای تولید دارو کمک نمود. وقتی که او در سال ۱۹۴۱ در جنگل‌های بارانی آمازون گردش می‌کرد، شولتز^۱ علم را بنا نهاد و موجب شد که او به پدر علم گیاه قوم‌شناسی^۲ مشهور شود. شولتز به مدت ۱۴ سال بی‌وقفه در میان ۲۴ قبیله سرخپوست در منطقه آمازون و شمال غربی کلمبیا التیام دهنده‌ها را از جادوگر قبیله یاد گرفت و چگونگی موارد استعمال بیش از ۲۰۰۰ گیاه دارویی را یاد گرفت. او بیش از ۳۰۰۰۰ گیاه را در آمازون جمع‌آوری کرد، که تقریباً ۲۰۰۰ مورد از آنها استفاده دارویی دارند و ۳۰۰ مورد از آنها در علم جدید موجود بودند.^۳ و امروزه واندانا شیوا^۴ فیلسوف و فیزیکدان و بوم‌شناس هندی مدعی است که جنگل‌های بارانی جنوب شرقی آسیا همه نیازهای غذایی چندین گروه ساکن در منطقه را تأمین می‌کند (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۷). در ایران نیز برخی از محققان بنا به تخصص خود به این موضوع توجه داشته‌اند. با وجود زمینه علاقه و تجربیات میدانی نگارنده طی چند سال گذشته در خصوص گیاه‌شناسی مردمی، در نگارش این مقاله با بررسی و مطالعات نظری و کتابخانه‌ای، مروری بر تاریخ علم گیاه‌شناسی از دیدگاه انسان‌شناسانه داشته تا با معرفی کلیاتی به اهمیت و ارزش این دانش جهت توجه مطلوب‌تر بپردازد.

شرح اصطلاحات

انسان‌شناسی: انسان‌شناسی^۵ از واژه یونانی Anthropos (انسان) و logos (شناخت) گرفته شده و نخستین بار در سال ۱۷۹۵ به مفهوم تاریخ طبیعی انسان بکار برده شده (پانوف؛ پرن، ۱۳۸۲: ۲۹). و مردم‌شناسی^۶ از واژه یونانی Ethnos به معنی قوم، مردم و

-
1. Sholtz
 2. Ethnobotany
 3. plotkin
 4. vandana shiva
 5. Anthropologie
 6. Ethnologie

امت گرفته شده است (پانوف؛ برون، ۱۳۸۲: ۱۱۲). انسان‌شناسی به مطالعه عمومی انسان پرداخته و مردم‌شناسی به معنی مطالعه هر یک از نهادهای انسانی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) در محدوده معین می‌باشد (روح‌الامینی، ۱۳۸۰: ۳۹). هرچند مردم‌شناسی یک قسم یا یک مرحله از انسان‌شناسی است اما خود به شاخه‌های متعددی از علوم دیگر همچون: مردم‌شناسی زیستی، مردم‌شناسی معدن، جامعه‌شناسی قومی، مردم‌شناسی گیاهی و... تقسیم می‌گردد (پانوف؛ پرن، همان: ۱۱۳).

دانش سنتی: دانش سنتی^۱ را با نام‌های دانش قومی^۲ علم مردمی، علم قومی، علم محلی، علم سنتی، علم روستایی و غیره نامگذاری کرده‌اند (فرهادی، همان: ۲). دانش بومی هر قوم بخشی از سرمایه ملی آن قوم است که باورها، ارزش‌ها، دانسته‌ها و ابزار زندگی آنها را در بر می‌گیرد (رستمی، ۱۳۸۲: ۲۵). لوسین گرینر^۳ در نظریه خود دانش بومی را به عنوان یک دانش محلی منحصر به فرد و سنتی تعریف می‌کند که تمام جنبه‌های زندگی را که شامل اداره و نگهداری محیط طبیعی است، پوشش می‌دهد و برای مردمی که آن نظام بومی را به وجود آورده‌اند، موضوعیت دارد (حاج علی محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). این دانش شفاهی از نسلی به نسل بعد سینه به سینه انتقال یافته است. برخلاف تصور مردم عادی که دانش بومی را قدیمی و ایستا دانسته و استفاده از آن را به گذشتگان نسبت می‌دهند و راه پیشرفت جوامع را در استفاده از علم و تکنولوژی جدید جستجو می‌کنند، اما مرور زمان شکست برنامه‌های توسعه را به علت تخریب منابع طبیعی و ناسازگاری با فرهنگ مردم ثابت کرده و استفاده از دانش بومی را از مهمترین و کارآمدترین مباحث دستیابی به رفاه و پیشرفت زندگی بشر با توجه به حفظ و ماندگاری منابع برای نسل‌های آینده معرفی می‌کند (رستمی، ۱۳۸۲: ۲۵). دانش محلی علمی است که جایگاه آن در قلب مطالعات مردم‌شناسی قرار گرفته و از نظر اهمیت دارای ارزش ویژه‌ای می‌باشد.

1. Traditional knowledge
2. Ethno science
3. Losian Greener

گیاه شناسی مردمی: گیاه شناسی مردمی، مردم شناسی گیاهی یا قوم گیاه شناسی^۱ از دو واژه (Ethno) به معنای قوم و (Botany) به معنای گیاه شناسی شکل گرفته است (حاج علی محمدی، تقوی شیرازی، قربانی، ۱۳۸۵: ۱۷۶). «ژاک میو» در مقاله‌ای با عنوان «مردم‌شناسی گیاهی» می‌نویسد: «مردم شناسی گیاهی را می‌توان علم شناخت روابط متقابل انسان در جهان گیاهی تعریف کرد. این علم به خودی خود، نه به مطالعه گیاهان و نه به مطالعه جوامع انسانی که به پژوهش برهمنه پدیده‌هایی که این دو گروه را به یکدیگر متصل می‌کنند می‌پردازد (فرهادی، ۱۳۸۵: ۳). گیاه مردم شناسی یک مطالعه چند نظامی است که ریشه‌های آن در گیاه‌شناسی جستجو می‌شود. مطالعه گیاهان از مطالعه زیست شناسی که نتیجه علاقه‌مندی به کشف گیاهانی است که به مبارزه با بیماری‌ها کمک می‌کنند آغاز شده است. اغلب دانش بومی درباره گیاهان را تنها از طریق متخصصان دردرون جامعه محلی... می‌توان بدست آورد (Veilleux, R.King, 1996). و گیاه مردم شناس یکی از مهمترین دانشمندان است. آنها دانش قدیمی را در جنگل‌های کهنسال با سرعتی که می‌توانند مطالعه می‌کنند به امید استفاده از دانش گذشته برای ساخت آینده (Muehlstein, G.Weitzel). در واقع قوم گیاه شناسی که به نوعی گیاه شناسی بومی تلقی می‌شود، شاخه‌ای از انسان شناسی است که در جستجوی گیاهان محلی در مناطق گوناگون قدم برداشته، از این رو به بررسی چگونگی و نوع استفاده از این گیاهان در بسترهای فرهنگی متفاوت می‌پردازد.

نقش باستان شناسی و مردم شناسی در شناخت گیاهان

تا چهاردهه پیش باستان شناسان فقط به اشیای باستانی توجه می‌کردند و بررسی‌های مربوط به علوم میان رشته‌ای کمتر رواج داشت... اما با گذشت زمان باستان شناسان نیاز اساسی به متخصصان علوم دیگر را برای باز سازی کامل‌تر وضعیت زندگی جوامع

باستان احساس کردند. از جمله این علوم که نقش کلیدی و مؤثر در کاوش‌های باستان‌شناختی دارد، باستان گیاه‌شناسی^۱ است. فقط با بهره‌گیری از بررسی‌ها و تحقیقات «باستان گیاه‌شناختی» و قوم گیاه‌شناسی دیرینه^۲ می‌توان به نتیجه‌ای کامل در مورد پوشش گیاهی کهن، تاریخچهٔ پرورش نباتات، نوع رژیم غذایی، چگونگی فعالیت‌های کشاورزی و شرایط اقلیمی و آب و هوای دیرین دست یافت (کیمیایی، ۱۳۸۳). برخی از محل‌های باستانی ممکن است به وسیلهٔ گیاهانی که در آنجا می‌رویند مشخص شوند. برای مثال خاک روی انبارهای قدیمی و گودال‌های زباله اغلب از نظر مواد ارگانیک غنی‌تر از سایر مناطق پیرامون آن است. در نتیجه گیاهان خاصی در آن می‌رویند... در انگلستان یک اثر تاریخی چوبی در «دارینگتون»^۳ و «ویلت شایر»^۴ به وسیلهٔ عکسبرداری هوایی کشف شد که در نزدیکی آن گیاهانی خاص در مکانی که خانه‌های قدیمی در آن واقع شده بودند، روئیده بود (عسکری خانقاه؛ شریف کمالی، ۱۳۷۸، ۱۴۷). و مهم‌تر آن که براساس مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناختی در حفاری‌های انجام گرفته، نشانه و بقایایی از وجود گیاهان در زندگی گذشتگان به چشم می‌خورد که حاکی از اهمیت و توجه به این قسم از طبیعت، به عنوان تأمین‌کننده مواد اولیه یا ثانویه در دسترس بشر بوده است. نشانه‌هایی از وجود معماری گیاهی، کلبه‌هایی چوبی که از تنه و شاخ و برگ درختان ساخته شده، زیراندازهای حصیری، ابزارهای گیاهی و دانه‌هایی از غلات و گیاهان خوراکی دیگر و یا ابزاری که نشان از تخمیر و فرآوری گیاهان داشته است. امروزه می‌دانیم عناصر اصلی بافت گیاهی آن زمان با دوره ما تفاوت چندانی نکرده است، همچنان که در بررسی‌های گیاه باستان‌شناسانه خانم میلر «باستان قوم گیاه‌شناس» و استاد دانشگاه پنسیلوانیا بر لایه ایلامی نو در شوش، آثار گیاهانی چون: خرما، بادام، پد، بید و علف‌های هرز شامل: گون، بارهنگ، چچم، بیتی راخ و... به دست آمده است.

-
1. Archaeobotany
 2. Paleoethnobotany
 3. Darrington
 4. Vittshire

(Choghazanbil.ir). پژوهش‌های گیاه باستان‌شناسی و قوم‌گیاه‌شناسی دیرینه را می‌توان به عنوان مکملی مفید در کاوش‌های باستان‌شناسی به عنوان بستری در تعیین هویت گذشتگان حائز اهمیت دانست (میلر، ۱۳۷۶: ۲۹۳). در مطالعات باستان‌گیاه‌شناسی در فوریه سال ۲۰۰۳ میلادی (۱۳۸۱ خورشیدی). در مطالعات تپه جنوبی سیلک حضور بقایای زیادی از الیاف کاه شاید دلالت بر این باشد که فعالیت‌هایی در زمینه غلات مانند جدا کردن سبوس از دانه‌ها در خود محل و شاید هنگام تهیه غذا انجام می‌گرفته است. مطالعات مردم‌نگاری نشان داده است که غلات سبوس‌دار، مانند گندم دانه ریز و دانه درشت اغلب به صورت سنبله انبار می‌شود و جداکردن دانه‌ها از سنبله به صورت یک فعالیت روزانه هنگام تهیه غذا انجام می‌گیرد (تنگبرگ، ۱۳۸۳: ۱۱۱). امروزه مطالعات مردم‌شناسی نیز در زمینه نوع دسترسی به انواع گیاه و کاربردهای ویژه آن بسیار مورد توجه است، بطوری که در کنار مطالعات باستان‌شناسی، تکمیل‌کننده ابهاماتی است که رسیدن به آن قطعاً تصمیم و نگرش تازه‌ای را جهت حفظ بقاء بشر پیش روی متخصصان قرار خواهد داد. هر چند نتایجی که تاکنون از این مقوله بدست آمده حاکی از وجود آگاهان بومی بسیاری از گذشته‌های دور، در زمینه شناخت و استفاده از گیاهان به عنوان دانشی محلی بوده است. مردم‌شناسان با حضور و نزدیکی در فرهنگ‌های گوناگون به آگاهی قابل توجه‌ای از مواد خوراکی گیاهی، روش‌های جمع‌آوری، فرآوری و نحوه استفاده آن در تغذیه، روش‌های بکارگیری آن در طب سنتی جهت مداوای بیماران محلی و کارآیی‌های دیگری در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و بهره‌مندی از آن دست خواهند یافت. جستجوی گیاه مردم‌شناسانه در نقاط گوناگون با شرایط اقلیمی متفاوت به شناخت گونه‌های گیاهی و چگونگی بهره‌گیری از آنها در میان اقوام و فرهنگ‌های گوناگون، رسیدن به سرمایه‌ای ملی برای هر سرزمینی را در برخواهد داشت. قبل از آن که مردم‌شناسی به شیوه‌ای علمی معرفی گردد و مردم‌شناسان به تحقیق بپردازند اشخاص دیگری، بی آن که دانسته‌ای در این باب داشته باشند با اهداف متفاوتی در

مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، ... ۱۳۷

این راه قدم نهادند. این اطلاعات تاریخی دریاچه‌های زیادی را پیش روی علم جدید قرار داده است.

غذا نیاز بقاء

غذا همیشه مهمترین دغدغه برای بشر در طول تاریخ بوده و اشتغال اصلی اعضاء یک جامعه اولیه در زندگی روزمره تهیه غذا بوده است. اهمیت این امر به حدی است که «لنسکی»^۱ جامعه‌شناسی آمریکایی زندگی «بوشمن»^۲ ها را در چند کلمه «برای غذا» خلاصه می‌کند و اعتقاد دارد که قسمت اعظم اندیشه‌ها و رؤیاهای آنان نیز در پیرامون غذا سیر می‌کند (محسنی، ۱۳۸۲: ۲۳۷). بومیان استرالیا از دانه‌های گیاهان گوناگون آرد درست کرده و نان‌های زمختی می‌پزند... سرخپوستان امریکا مغزبلوط را کوبیده و پس از شیره کشی تلخی آن را می‌گرفتند و پس از خشک کردن و بو دادن از آن خوراکی چون حریره و فرینی درست می‌کردند (مرادی، ۱۳۸۶: ۶۴). در کشور مکزیک از عصاره گیاهی به نام «اگو»^۳ که دارای برگ‌های پهن و گوشتی است، نوعی نوشیدنی تخمیر شده به نام «پولکه»^۴ درست می‌کردند (عسکری خانقاه؛ شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۱۴۷). پولکه نوعی نوشابه الکلی و آئینی بود که در ضیافت‌ها و جشن‌ها غالباً مصرف می‌شد (توب، ۱۳۷۵: ۵۵). تایلر می‌گوید: کاملاً طبیعی است که از هزاران سال پیش، از دوران گردآوری خوراک گیاهی، در هر منطقه از ایران صدها نوع گیاه خوراکی شناسایی شده و در رژیم غذایی نیاکان ما قرار گرفته باشند (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۳). به نظر می‌رسد که در طول مدت زیادی بسیاری از گروه‌هایی که در منطقه خاورمیانه زندگی می‌کردند از طریق گردآوری مواد غذایی امرار معاش می‌کردند. فلانری^۵ اعتقاد دارد که چون گردآورندگان غذا کار

-
1. lenski
 2. Bushmen
 3. agave
 4. pulque
 5. Flannery

سختی برای به دست آوردن غذای کافی انجام نمی‌دادند، به تولید غذا (کشاورزی). که مستلزم کار بیشتری بود، روی نمی‌آوردند مگر آن که از نظر مواد غذایی در تنگنا بوده باشند (عسگری خانقاه؛ شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۱۹۱). رابرت بریدوود با ارائه فرضیه زیستگاه طبیعی و یا منطقه هسته‌ای معتقد است که: در زیستگاه طبیعی تمام شرایط لازم برای این که حیوانات و گیاهان بتوانند به راحتی در محیط زیست طبیعی خود زندگی کنند وجود داشته است. هنگامی که انسان در این منطقه‌ها مستقر شد به تدریج با گیاهان اطراف محیط زیست خود آشنا شد و سرانجام توانست با اهلی کردن برخی از گونه‌های موجود، در نزدیک محل استقرار خود قسمتی از غذای مورد نیاز خود را تأمین کند. به نظر بریدوود این مرحله هنگامی به وقوع پیوست که فرهنگ انسان آمادگی لازم را پیدا کرده بود (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

هنوز در بعضی از جوامع گذران زندگی از طریق گردآوری غذا است... بومیان «نگاتاتجارا»^۱ که در صحرای «گیسون»^۲ در غرب استرالیا زندگی می‌کنند، در سال ۱۹۶۶ بوسیله یک انسان شناس امریکایی به نام «گولد»^۳ مورد بررسی قرار گرفتند. در آن زمان آنها هنوز برپایه جمع‌آوری گیاهان وحشی زندگی می‌کردند. مطالعه این گروه‌ها ممکن است در فهم بعضی از اعمال زندگی انسان در گذشته یعنی هنگامی که همه انسان‌ها گردآورنده غذا و شکارچی بودند، به ما کمک کند (عسگری خانقاه؛ شریف کمالی، ۱۳۷۸: ۳۳۰).

گیاه ابزاری برای جادو

بشر تا مدت‌های طولانی بر این باور بود که بیماری‌ها منشاء ماوراءالطبیعی دارند. به ویژه اپیدمی‌ها، وحشت موهوم پرستانه‌ای را به او تلقین می‌کردند. در میان اقوام ابتدایی،

-
1. Ngatatjara
 2. Gibson
 3. Richard A. Gould

درمان شناس باید در جادوگری نیز زبردست می‌بود تا بتواند با نیروهای ظلمانی مقابله کند. در قرون وسطی و حتی بعد از آن انسان به بیماری به چشم نوعی کیفر الهی می‌نگریست. از این دیدگاه انسان برای درمان باید در نهایت، به سوی خدا روی آورد و به دعا، عجز و لابه و لمس مقدس بپردازد و این‌ها اعتباری بیش‌تر از تمام داروها داشتند؛ به رغم این موارد، انسان‌ها به زودی به کم رنگ بودن خرافات آگاه شدند؛ به عنوان مثال «Kultakzessorie» نوعی از خرافات بود که انسان را در دنیای گیاهی جستجو کرده است. در این کار انسان از نیروی نهفته در گیاهان ابداً مطلع نبود... شاید نکته آن باشد که قدیمی‌ترین داروها گیاهان بوده‌اند که با یا بدون پیرایه‌های مرتبط با مذهب و جادو عرضه شده‌اند (محرابی، ۱۳۸۳: ۲۰۶۵). پس باید گفت سحر و جادو در واقع کهن‌ترین و متداول‌ترین وسیله برای معالجه بیماران بود. در متون بابلی در بین‌النهرین آمده که چوب گز و گریبانۀ نخل خرما سلاح نیرومندی برای دفع شر و ارواح پلید به شمار می‌رفت. کاهن بابلی برای در مان به خانۀ بیمار فراخوانده می‌شد. او گیاهان جادویی مهمی را بر تیر سر در و کلون در خانه می‌آویخت و درمان را آغاز می‌کرد (مجید زاده، همان: ۲۱۴). در منطقه آمازون از گیاه «تاتوره»^۱ برای اهداف جادوگری استفاده می‌شده و در کشور پرو تاتوره یکی از اجزای داروهای مورد استفاده برای جادوگری یا مسموم کردن بود. جوشانده دانه‌های آن حاوی مقداری «آتروپین» و «اسکوپولامین» بود و بی حس می‌کرد. «هوانتو»^۲ نوشابه‌ای مورد استفاده در مراسم مذهبی منطقه آمازون بود که اثر خواب آورداشت و وهم و خیال ایجاد می‌کرد (محرابی، ۱۳۸۳: ۹۲۹). در امریکا از راه کاربرد طبل‌ها و جغجغه‌ها و دود کردن مخلوطی از تنباکو یا پیوت، جادوگر وارد حالت خلسه مانندی می‌شد که به او قدرت «پرواز روحی» می‌داد و او می‌توانست روح فرد بیمار را بیابد و آن را نجات دهد و درمان کند. امروزه جادوگران در امریکای جنوبی هنوز هم از عصاره‌های گرفته شده از یک نوع پیچک

1. Tatura
2. Huanto

خاص که در کلمبیا «یاگه» و در پرو و اکوادور «آیاهواسکا» نام دارد به این شیوه استفاده می‌کنند. درست همان طور که جادوگران سبیریایی، زمانی می‌توانستند با خوردن نوعی قارچ سمی مسافرت کنند.. (حاجی آخوندی؛ بلیغ، ۱۳۸۱: ۷).

گیاه و مذهب

پس از کاربرد گیاهان در اعمال جادویی، کم کم این رسم به مذهب نیز راه یافت، استفاده از گیاهان در اعمال مذهبی بویژه در معابد به شکل مواد معطر، روغن مقدس، عودهای گیاهی و نوشیدنی‌های مقدس بکار می‌رفت. استفاده بشر از مواد معطر و خوشبو به منظورهای گوناگون به هزاران سال پیش باز می‌گردد و به نظر می‌رسد که قسمتی از معنویات هر فرهنگی را در بر می‌گیرد. صمغ‌های معطر گرفته شده از درختانی مانند کندر و مُر بسیار محبوبیت داشتند... ساخت عودهای گیاهی هنری باستانی است. عودها نه فقط برای از بین بردن بوهای بد و پراکندن بوی خوش بکار می‌رفته، بلکه برای دورکردن روح‌های پلید نیز استفاده می‌شده است. این امر در کتیبه‌ای مصری (۱۵۳۰ سال ق.م) و در ادبیات و دایمی هند (۵۰۰۰ سال ق.م) نیز آورده شده است. عطرهای طبیعی در معابد هندوها، بوادی‌ها و آیین‌های رسمی چینی‌ها و ژاپنی‌ها بکار می‌روند. در یونان باستان نیز (اوایل قرن ۸ ق.م). استفاده از عطرها رایج بوده، همین‌طور که در کلیساها برای احترام به خداوند و قدیسین استفاده می‌شده (حجازی، ۱۳۸۶: ۱۰-۷). در ایران نیز بُخُور و سنت سوزاندن آن سنتی بسیار دیرپاست و پشتوانه مذهبی دارد. بُخُورسوزاندن نه تنها به خودی خود رفتاری آیینی و مذهبی بوده، بلکه بخش مهمی از آداب مذهبی ایرانیان باستان به شمار می‌آمده است (انصاری، ۱۳۸۱: ۷۴). همان‌طور که امروزه در میان ایرانیان مرسوم است به میمنت و مبارکی و جهت دفع ارواح شرور آن را بکار می‌برند. استرابون نقل می‌کند: «رسم برسم گرفتن نزد ایرانیان (که در اوستا به صورت «برسمن»^۱

آمده است) بسیار قدیم است." به هنگام مراسم مذهبی موبدان، شاخه‌های بریده شده برسّم را بدست گرفته و به نظر می‌رسد مراد از آن احترام و بزرگداشت به گیاه و نبات است که مانند سایر مواهب طبیعی مفید و مورد تقدیس قرار گرفته است. در وندیداد، زرتشت از اهورا مزدا می‌پرسد چگونه ستایش تو بجای آورم. اهورا مزدا در پاسخ می‌گوید سوی درختانی که در رشد و نمو هستند رو به یکی از این درختان که بلند و تنومند باشد این کلام را بخوان: ترا ای درخت زیبایی مزدا آفریده ستایش می‌کنم (عفیفی، ۱۳۷۴: ۴۵۷). در کتاب مقدس اوستا آمده: «ای زرتشت، من کسی را که همچون تو می‌بالد به درخت کاج مانند می‌کنم که قدی کشیده دارد، خاموش است، سخت است تنه‌است و از بهترین چوب‌هاست. هرچه تیره و نارس و نارساست به دیدار درخت آرام و قرار می‌یابد. ای زرتشت دیدارت بیقرار را آرام می‌بخشد و دل پریشیده را درمان کند (کوه نور، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

گیاهان در آئین‌ها و اسطوره‌ها

گیاهان از کهن‌ترین روزگار به دلیل کاربردهای متفاوت همواره مورد احترام و قداست مردمان بوده‌اند و آنقدر اهمیت داشته‌اند که الهه‌هایی مخصوص گیاهان در فرهنگ‌های ابتدایی قابل مشاهده است. جنگل طی هزاران سال مکانی مقدس، بیمناک، محترم و معبد خدایان و مغاک مردمان بوده و همواره ستوده می‌شده. بعضی مردم ابتدایی گاه درخت را زاییده انسان پنداشته‌اند و در افسانه‌های کهن این اعتقاد نقش بسته است. به زعم قبیله قدیمی یاکوت،^۱ آدمی، میوه درخت هفت شاخه است و به دست زنی که تنه‌اش از پوسته بدنه درخت بیرون آمده، تغذیه می‌شود... در بسیاری از تمدن‌ها درباره درخت معتقدات مذهبی رواج دارد و مردم عبادت‌شان می‌کنند. یونانیان می‌گفتند: «دریادها»^۲

1. Yakovte
2. Dryade

الهه‌هایی^۱ که موکل درختان و نگهبان بیشه‌زارانند در درخت سکنی دارند و مقدر چنین بوده که اقامتگاه ثابت آنها زیرپوست درختان جنگلی باشد (کوه نور، ۱۳۸۴: ۱۴۴) نزد قوم سلت^۲ «درخت مرگ»^۳ رمزگذر عمر و لحظه مرگ انسان است. جایی مردگان را می‌سوزانند و درختی که به هنگام تولدش کاشته بودند، هیزم آتش برای سوختن جنازه می‌شد... در بین‌النهرین «درخت زندگی» ترکیبی از رستنی‌های گوناگون است که به علت طول عمر و زیبایی و سودمندی‌شان مقدس شمرده می‌شوند. از قبیل: درخت «سدر» که چوبش گرانبه‌است «نخل» که خرما می‌دهد، «تاک» با انبوه خوشه‌های انگور و درخت «انار» رمز باروری؛ که میوه‌اش آبستن صدها دانه است.. (همان: ۱۳۴). به نقل از فرهنگ جهانگیری و برهان قاطع: «مهرگیا، گیاهی باشد شبیه آدمی و در زمین چین روید و آن سرازیر و نگونسار می‌باشد، چنان‌که ریشه آن به منزله موی سراوست. نر و ماده در گردن هم کرده و پاها در یکدیگر محکم ساخته، گویند هرآن که آنرا بکند در اندک روزی بمیرد... و آن را «مردم گیاه» و «مردم گیاه» نیز می‌خوانند و نر و ماده آن را از هم تفرقه توان کرد...» (هدایت، ۱۳۱۲: ۸۸). در مراسم و آیین‌های گوناگون به خصوص در سنت‌های یهودیان و هندیان، درختی را «وارونه» می‌کارند به گونه‌ای که ریشه‌هایش در هوا گسترده باشد و آن را بر قربانگاه می‌نهند که این چنین به گیاهی غول‌آسا شبیه می‌شود. «درخت باژگون» مبین این اعتماد است که زندگانی، از آسمان به زمین می‌آید و در زمین رخنه می‌کند و بدان تقدیس می‌بخشد.. (کوه نور، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

ساکنان سیبری، درختان «قان»^۴ را رمز ستون آسمان می‌دانند. در مراسم راز آموزی شمنی درخت مقدس قان را در وسط خیمه مدور یعنی «پورت» می‌کارند. نوک درخت از سوراخی که برای خروج دود است خارج می‌شود و رو به سوی ستاره قطبی نماد قطب آسمان دارد. در تنه‌اش ۷ یا ۹ یا ۱۲ شکاف ایجاد کرده‌اند که نشانگر مراتب گوناگون و

-
1. Nymphe
 2. Celte
 3. Todtenbavm
 4. Bouleav

مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، ... ۱۴۳

مراحل گوناگونی است که برای رسیدن به بهشت باید از آنها گذشت. شمن طبق آیین از درخت قان بالا می‌رود و به در دروازه کیهان می‌رسد و به سیر و سفر در آسمان می‌پردازد. پرسیاوشان را در اسطوره‌های ایرانی به افسانه قتل سیاوش ربط داده‌اند. بدین صورت که پس از کشته شدن سیاوش به دست گروی و به فرمان افراسیاب، تشت حاوی خون واژگون شد و جای آن گیاهی روید. مهری و مهریانی یا مرهی و مرهیانی نیز در اساطیر ایران باستان نام اولین موجوداتی هستند که... پس از آن که کیومرث رخت از جهان بربست... پس از چهل سال از دل خاک گیاهی به شکل ریواس با یک ساقه و پانزده برگ، بنام مهری و مهریانی پدید آمد و پس از چندی از گیاه پیکری به مردم پیکری در آمدند. «هوم» که در اوستا به صورت «هئومه»^۱ گفته می‌شود (عقیقی، ۱۳۷۴: ۶۲۷). در دنیای مینوی، ایزد است و در دنیای گیتی، گیاه؛ دشمنان را دور می‌سازد، درمان بخش است و سرور گیاهان به شمار می‌آید... فشردن این گیاه نوعی قربانی غیرخونین و قربانی شدن او موجب شکست شر است. خود به خود نیرو می‌دهد و شفا می‌بخشد و اگر آن را تقدیس کنند نیرویی معجزه‌آسا پیدا می‌کند. گیاه هوم را در هاون می‌سایند و شیره آن را از صافی‌ای که از موی گاو درست شده است می‌گذرانند و آن را با آب دعا خوانده شده مخلوط می‌کنند (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳۰). به نقل از «نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر» در جشن مهرگان نیز پادشاهان برای خجستگی روغن بیدمشک برتن می‌مالند... (رضی، ۱۳۸۳: ۵۱).

گیاه درمانی در تاریخ طب

می‌توان گفت سابقه کاربرد گیاهان به عنوان دارو مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد است (کیمیایی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). این موضوع قطعی است که اقوام دارای زندگی نزدیک با طبیعت، به خصوص در جنگل‌های استوایی و مناطق حاره، که دارای روابط تنگاتنگ با

گیاهان اطراف خود هستند به شکل چشمگیری دربارهٔ خواص گیاهان بومی پیرامون خود آگاهی یافته‌اند (محرابی، ۱۳۸۳: ۲۰۶۶). انسان به مرور زمان با کسب تجربه به شناختی از گیاهان و کاربردهای گوناگون آن دست یافت. زمانی که زرتشت که خود یکی از پزشکان برجسته عهد باستان ایران می‌باشد، پا به عرصه وجود می‌گذارد قرن‌ها یا هزاران سال بوده که این دانش پزشکی در ایران زمین رواج داشته است (نوری، ۱۳۷۶: ۳۵). می‌توان گفت نخستین اقوامی که توانستند به خواص گیاهان دارویی پی ببرند و گیاه درمانی نمایند ایرانیان بودند... گیاه پزشکی از روزگاران کهن از ایران به دیگر کشورها از جمله هند، چین، میان رودان، مصر و غیره راه یافت... در ایران باستان گیاهانی مانند: برسم، گندر، اسپند، همچنین عصاره (فشرده). گیاهان نعناع، بیدمشک و عرق چهل گیاه و غیره برای پزشکی مورد استفاده بوده‌اند (همان: ۳۷ و ۳۸). در پاپیروس‌های مصری باقیمانده از حدود ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد، ثبت شده است که بسیاری از گیاهان معمولی مانند: سیر و سرو کوهی به مدت چهار هزار سال مورد استفاده پزشکی داشته‌اند (حاجی آخوندی؛ بلیغ، همان ۷). در مقاله‌ای در مجلهٔ پزشکی بریتانیا^۱ گزارش داده‌اند که چگونه پزشکان مصری مفاصل شکسته را بدون جابجایی بیش از حد استخوان‌ها می‌بستند: آنان نوعی نگهدارنده که از لیف‌های درخت خرما تهیه می‌شد، را بر روی محل شکستگی قرار می‌دادند و آن را با نوارهای کوچک محکم می‌کردند. امروزه نیز شکسته بندهای تجربی در جنوب الجزایر از چنین شیوه‌ای استفاده می‌کنند (محرابی، همان: ۱۱۹۶). در بین‌النهرین باستان برای درمان بیماری‌های دهان: بوی بد، خشکی بزاق و اگر بزاق در دهان از جاری شدن باز نمی‌ایستاد شربت تلخ آمیخته از خردل، ماز و، ریشه شیرین بیان و عنبر سائل مورد استفاده بوده است و یا باید گز صمغ زرد، روغن صنوبر و روغن کاج را ساییده با هم مخلوط می‌کردند... برای رفع بند آمدن ادار: دانهٔ خشخاش را کوبیده با آبجو مخلوط کرده و به بیمار می‌دادند. قدری صبر زرد را کوبیده با روغن

مخلوط و آن را به کمک لوله‌ای مفرغی به درون مجرای ادرار او می‌دمیدند. شقایق نعمان را کوبیده با آبجو مخلوط کرده و به بیمار می‌دادند (مجید زاده، ۱۳۷۹: ۲۲۰). در هند باستان از نوشته‌های «ریگ ودا»^۱ و «رامایانا»^۲ مشخص می‌شود که پزشکان هندی حتی دو هزار سال قبل از میلاد نیز از غده‌های سرطانی اطلاع داشتند و برای معالجه این بیماری از خمیرهایی که دارای ترکیبات «آرسن» بوده استفاده می‌کردند (محرابی، همان: ۳۲۳۰). در قرن نهم نیز ابوعلی سینا پیشنهاد کرد که از روش معالجه با «آرسن» همراه با باز کردن رگ‌ها و داروهای گیاهی دیگر استفاده کنند (همان: ۳۲۳۴). کوبری از مورخین کشور پرو در کتابش به گیاه مهمی به نام «مایس»^۳ اشاره می‌کند. جوشانده برگ‌های آن درمان زخم‌ها را تسریع می‌کرد... و اثر آرام بخشی داشت (همان: ۹۲۸). مخدرهایی مانند شاهدانه و تریاک و کافور، از لحاظ زمانی، قدیمتر از تاریخ می‌باشند (ویل دورانت، ۱۳۸۱: ۹۸). جالب است که کدبانوی مصر باستان گیاه مَرْمَکِ^۴ را می‌سوزاند تا خانه از وجود کک در امان باشد (حاجی آخوندی؛ بلیغ، ۱۳۸۱: ۴۴). شگفت‌انگیز است که در سراسر قاره آفریقا برای پیشگیری از مارگزیدگی‌ها ریشه‌های «سکوریدا کالونگه پدانکولاتا» بکاربرده می‌شود. آن‌ها به جلوی در ورودی منزل آویخته می‌شود و در اطراف بوریاهایی که به عنوان تختخواب استفاده می‌شد قرار می‌گیرند... این ریشه‌ها بوی بسیار تندی مانند بوی «اسید میتل سالیسیل»^۵ از خود پراکنده می‌کنند که بر روی مارها نوعی اثر دافعه دارد. این ریشه‌ها شامل نوعی ترشح است که برای حیوانات خونسرد سمی است (محرابی، ۱۳۸۳: ۲۸۰۴).

خواص درمانی گیاه کینارینده^۶ علیه بیماری مالاریا را قبایل بومی مناطق: آی مارا^۷ گیچا^۷ از دوران بسیار قدیم می‌شناختند و افسانه‌هایی از آن زمان در این نواحی رایج

-
1. Rigweda
 2. Ranayana
 3. Mais
 4. Commipbora molmol
 5. Chinarinde
 6. Aimara
 7. Quicha

شده است... که در گذشته چند درخت کیناریده شکسته شده و در آب برکه‌ای افتاده است. پس از این اتفاق آب آن برکه چنان تلخ شد که دیگر قابل آشامیدن نبود، اما مردم کشور پرو در میان اقوام اینکا در هنگام بیماری مالاریا و تب شدید از آب آن می‌نوشتند و سلامت خود را باز می‌یافتند... از پوست این درخت پودری موسم به گنه گنه^۱ تهیه می‌کردند. امروزه کینین به عنوان داروی اصلی ضد مالاریا، در طب کاربرد وسیعی دارد و به علاوه به عنوان داروی ضد درد و کاهش دهنده تب نیز به کار می‌رود (همان: ۳۳۲۴ و ۳۳۸۸). همچنان که امروزه در روش‌های درمانی از دانش پزشکی عوام^۲ به عنوان بهترین تجربه استفاده می‌شود.

نتیجه

برای رسیدن به حفظ و تأمین سلامت جهانی انسان، حرکت به سوی مطالعه، بررسی و بکارگیری دانش بومیان در استفاده از گیاهان و بهره‌مندی از آن در صنایع پیشرفته امروز مورد نیاز است. این در حالی است که با وجود تغییرات بعمل آمده از راه تکنولوژی در زندگی مدرن و تأثیرات به ظاهر فریبنده این عصر، دانش محلی بعنوان علمی کهن و کارآمد جهت آشنایی و حفظ منابع طبیعی برای آیندگان بسیار مورد توجه می‌باشد. شاید این گونه باشد که بخش بزرگی از راه رسیدن به این هدف، بردوش کسانی است که ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با این علم کهن دارند. امروزه می‌توان این گونه بیان نمود که خیلی زود دیر شده است. بسیاری از دانسته‌ها در هر فرهنگ و سنتی با مرگ کهنسالان به نیستی گرائیده، همچنان که بسیاری از گونه‌های گیاهی، در حیات نابود شده و یا در حال نابودی‌اند و هنوز متخصصان از جمله مردم شناسان نتوانسته‌اند آن طور که باید با دیدگاه و روش خود به جستجو و کشف مهمترین‌ها از سهم انسان در طبیعت پردازند.

-
1. Corregidor
 2. Ethonomedizin

مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، ... ۱۴۷

توجه به شناسایی گیاهان مناطق گوناگون هر سرزمینی و دانش سنتی بومیان در استفاده گوناگون از گیاهان و معرفی نمونه‌های گیاهی بااهمیت و کم‌یاب به گیاه‌شناسان و پژوهشگران علم طب، در استفاده مفید جهت داروسازی و درمان، معرفی به متخصصان علم تغذیه به عنوان منبع مهم در صنایع غذایی و معرفی به محققانی که در زمینه گیاهان صمغ‌دار، روغنی، رنگزا و معطر در جایگزینی‌های شیمیایی به مطالعه می‌پردازند و همچنین معرفی به پژوهشگران علوم انسانی به خصوص مردم‌شناسان که با حضور خود در میدان کار، به کنکاش و جستجوی اطلاعات و ثبت این بخش از فرهنگ بومی می‌پردازند، می‌توان از گیاهان این هدیه‌های الهی، استفاده بهینه و کامل نمود.

منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- انصاری، شهره. (۱۳۸۱)، *تاریخ عطر در ایران*، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پانوف، میشل؛ پژن، میشل. (۱۳۸۲)، *فرهنگ مردم‌شناسی*، ترجمه: اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران: سمت.
- توب، کارل. (۱۳۷۵)، *اسطوره‌های ازتکی و مایایی*، ترجمه: عباس مخبر، چاپ اول، تهران مرکز.
- جهانشاهی افشار، ویکتوریا. (۱۳۸۰)، *فرایند و روش‌های رنگرزی الیاف با مواد طبیعی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه هنر.
- حاجی آخوندی، عباس؛ بلیغ، ناصر. (۱۳۸۱)، *راهنمای کاربردی گیاهان دارویی*، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- حجازی، رامین. (۱۳۸۶)، *دنیای خواص عود*، چاپ اول، تهران: پندارپارس.

- دورانت، ویل. (۱۳۸۱)، *تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن)*، ترجمه: احمد آرام؛ ع، پاشائی؛ امیرحسین آریان پور، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۳)، *جشن‌های آتش*، چاپ اول، تهران: بهجت.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۸۰)، *مبانی انسان شناسی (گرد شهر با چراغ)*، چاپ اول، تهران: عطار.
- نوگل، جی. ری، فریتز، جرج. ژ. (۱۳۷۱)، *فیزیولوژی گیاهی (رشد و نمو گیاهی)*، ترجمه: لاهوتی، مهرداد، جلد دوم، چاپ دوم، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- عسکری خانقاه، اصغر؛ شریف کمالی، محمد. (۱۳۷۸)، *انسان شناسی عمومی*، چاپ اول، تهران: سمت.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۴)، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، چاپ اول، تهران: توس.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۸)، *موزه‌های باز یافته (گمانه زنی‌هایی در فرهنگ عشایر روستاهای سیرجان، بافت، بردسیر و شهربابک استان کرمان)*، مرکز کرمان شناسی.
- قهرمان، احمد؛ اخوت، احمدرضا. (۱۳۸۳)، *تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی*، جلد اول، چاپ اول دانشگاه تهران.
- کالستون، دیویس ساتر. (۱۳۸۶)، *زندگی گیاه سبز*، ترجمه: مسعود مجتهدی؛ حسین لسانی، چاپ ششم، دانشگاه تهران.
- کوه نور، اسفندیار. (۱۳۸۴)، *دایره‌المعارف هنرهای سنتی ایران (جایگاه نقوش نمادین و سمبلیک در آثار هنرهای سنتی ایران)*، جلد سوم، چاپ اول، مشهد، نور حکمت.

مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، ... ۱۴۹

- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۹)، *تاریخ و تمدن بین النهرین (تاریخ فرهنگی- اجتماعی)*، جلد دوم، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی تهران.

- محرابی، ولی اله. (۱۳۸۳)، *تاریخ مصور پزشکی جهان (از کهن ترین روزگارتا دوره معاصر)*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دایره المعارف تاریخ پزشکی.

- محرابی، ولی اله. (۱۳۸۳)، *تاریخ مصور پزشکی جهان (از کهن ترین روزگارتا دوره معاصر)*، جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی.

- محرابی، ولی اله. (۱۳۸۳)، *تاریخ مصور پزشکی جهان (از کهن ترین روزگارتا دوره معاصر)*، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی.

- محرابی، ولی اله. (۱۳۸۳)، *تاریخ مصور پزشکی جهان (از کهن ترین روزگارتا دوره معاصر)*، جلد ششم، چاپ اول، تهران: انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی.

- محرابی، ولی اله. (۱۳۸۳)، *تاریخ مصور پزشکی جهان (از کهن ترین روزگارتا دوره معاصر)*، جلدهفتم، چاپ اول، تهران: انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی.

- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۲)، *مقدمات جامعه شناسی*، چاپ نوزدهم، تهران: دوران.

- مرادی، محمد. (۱۳۸۶)، *مردم شناسی پیش از تاریخ وجوامع ابتدایی*، چاپ اول، تبریز: موسسه توسعه علمی پژوهشی کوثرپژوه سهند.

- ملک شه میرزادی، صادق. (۱۳۷۸)، *ایران در پیش از تاریخ (باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی)*، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.

- ویلسون، لوئیس سیتوز. (۱۳۷۴)، *گیاه شناسی*، ترجمه: فریدون ملک‌زاده؛ فاطمه فریدون مقدم، جلد اول، چاپ ششم، دانشگاه تهران.
- هدایت، صادق. (۱۳۱۲)، *نیرنگستان*، چاپ اول، جاویدان.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ فتح‌نیا، امان‌اله. (۱۳۸۴)، بررسی روابط متقابل انسان و درخت بلوط (مطالعه موردی شهرستان گیلان غرب)، *نشریه رشد آموزش جغرافیا*، دوره بیستم، تهران: شماره ۱.
- حاج علی محمدی، هما. (۱۳۸۵)، فن آوری تهیه ذغال در شمال ایران (پژوهشی در حوزه دانش بومی ایران)، *فصلنامه علوم اجتماعی* دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۴-۳۵.
- حاج علی محمدی، هما؛ تقوی شیرازی، مریم؛ قربانی، عبدالباسط. (۱۳۸۵)، اطلس مردم گیاه درمانی ایران، *فصلنامه علوم اجتماعی* دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۴-۳۵.
- رستمی، فرحناز. (۱۳۸۲)، مفاهیم- نگرش‌ها- چالش‌ها و چشم انداز دانش بومی، *چکیده مقالات اولین همایش دانش بومی و ذخایر توارثی کشاورزی و منابع طبیعی*، سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان
- رسولی، غلامحسین. (۱۳۷۸)، رنگرزی سنتی در پیرسواران ملایر، *نشریه نمایه پژوهش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، سال چهارم، شماره یازده و دوازده.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۸)، مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی (نان شب مردم نگاران ایران)، *فصلنامه نمایه پژوهش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، سال چهارم، شماره یازده و دوازده.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۵)، نوبرنارس گیاه مردم‌شناسی، *فصلنامه علوم اجتماعی* دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۳۴-۳۵.

مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، ... ۱۵۱

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۵)، گیاه مردم نگاری با چکیده و نمونه‌هایی از گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی کمره، *فصلنامه علوم اجتماعی* دانشگاه علامه طباطبائی شماره ۳۵-۳۴.

- نوری، احمد. (۱۳۷۶)، دانش پزشکی در اوستا، *نشریه فرهنگی- اجتماعی و هومن*، سال ششم، شماره ۱۳

- تنگبرگ، مارگاتا. (۱۳۸۲)، *گزارش مقدماتی مطالعاتی گیاه باستان شناسی در تپه سیلک، نقره کاران سیلک* ترجمه: صادق ملک شهیمزادی، (گزارش فصل دوم طرح باز نگری سیلک- سلسله گزارش‌های باستان شناسی ۳)، پژوهشکده باستان شناسی.

- کیمیایی، معصومه. (۱۳۸۳)، پژوهش‌های باستان گیاه شناختی دومین فصل پژوهش در دشت شرقی مازندران (گوهرتپه)، *گزارش‌های باستان شناسی (۳)*، انتشارات پژوهشکده باستان شناسی میراث فرهنگی.

- کیمیایی، معصومه. (۱۳۸۳)، *گزارش مقدماتی مطالعات باستان گیاه دارویی در دشت کاشان، سفالگران سیلک* (سلسله گزارش‌های باستان شناسی ۵)، به کوشش صادق ملک شهیمزادی، انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- میلر، ناومی. (۱۳۷۶)، *پژوهش قوم-گیاه شناسی دیرینه در خوزستان- شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان شناسی*، ترجمه: هایده اقبال، گزارش گردهمایی بین المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر: ژان پرو و ژنویو دلفوس، مرکز نشر دانشگاهی.

- مقدمه‌ای بر لزوم شناخت بستر گیاهی منطقه چغاز نبیل <http://www.choghazanbil.ir>

-Muehlstein , lisa , G.weitzel , kelley , Ethnobotany or How native people use plants. <http://www.pelotes.jea.com>

-Plotkin , mark , Ethnobotanist , " Every time a medicine man dies it is like a library burning down." . Veilleux , connie , R.king , steven , 1996 , An introduction to ethnobotany. <http://www.accessexcellence.org>